

بدگمانی

ابوالفضل بغمایی

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛^۱
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری گمان‌ها دوری کنید؛ زیرا بعضی از
گمان‌ها گناه است.

مفهوم‌شناسی

ظن، اسم است برای آنچه که از نشانه و اماره‌ای حاصل می‌شود؛ هر وقت آن نشانه قوی
باشد، ظن به علم منتهی می‌شود و هر وقت نشانه به صورت جدی ضعیف شود، از توهم تجاوز
نمی‌کند.^۲

می‌توان گفت: ظن یک معنا و اصل بیشتر ندارد و آن اعتقاد ضعیف پیدا کردن بدون استناد
به دلیل قاطع است؛ چه این اعتقاد حق باشد و چه باطل.^۳

ترکیب ظن با کلمه سوء، به معنای گمان زشت و ناپسند است؛ بدگمانی یکی از زشت‌ترین
رذایل اخلاقی است.

تفسیر آیه

منظور از «كثيراً من الظن» گمان‌های بد است که نسبت به گمان‌های خوب در میان مردم
بیشتر است. از این رو، تعبیر به کثیر شده، وگرنه حسن ظن نه تنها ممنوع نیست، بلکه نیکو

۱. حجرات، ۱۲.

۲. راغب، مفردات، ص ۳۲۷.

۳. مصطفوی، التحقیق، ج ۷، ص ۱۸۷.

است. در آیه دوازدهم سوره نور آمده است: از کثیری گمان‌ها در آیه نهی شده است و در مقام تعلیل می‌گوید؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه است. این تفاوت تعبیر ممکن است برای این باشد که برخی گمان‌های بد مطابق با واقع است و برخی مخالف واقع است؛ آن که مخالف واقع است، مسلماً گناه است و وجود همین گناه، کافی است که از همه پرهیزد.

اگر کسی بگوید: گمان بد و خوب غالباً اختیاری نیست؛ بنابراین، چگونه می‌شود از آن نهی کرد؟ پاسخ این است منظور، نهی از ترتب آثار است؛ یعنی هرگاه گمان بدی نسبت به مسلمانی در ذهن شما پیدا شد، در عمل اعتنایی به آن نکنید، طرز رفتار خود را دگرگون نسازید و مناسبات خود را با او تغییر ندهید. بهتر این است که انسان با تفکر روی احتمالات گوناگون، گمان بد را در بسیاری از موارد از خود دور سازد؛ به این ترتیب که در راه‌های حمل، بر صحت بیندیشد و احتمالات درستی را که در مورد آن عمل وجود دارد در ذهن خود مجسم سازد و کم‌کم بر گمان بد غلبه کند.^۱

پیام‌های آیه

۱. برای دوری از گناهان حتمی باید از گناهان احتمالی اجتناب کنیم.
۲. اصل بر اعتماد، کرامت و برائت انسان‌هاست.
۳. برای جلوگیری از غیبت باید زمینه‌های آن را مسدود کرد، سوءظن راه ورود به غیبت است.
۴. ایمان تعهدآور است و مؤمن باید از یک سری اعمال دوری نماید.^۲

آیات و عناوین مرتبط

آثار سوءظن: تهدید اخوت دینی: (حجرات، ۱۰ و ۱۲)؛ زمینه گناه: (حجرات، ۱۲).
عوامل سوءظن به خدا: شرک: (فتح، ۶)؛ شکست: (آل عمران، ۱۵۴)؛ محاصره مدینه: (احزاب، ۱۰)؛ نفاق: (فتح، ۶).
کیفر سوءظن به خدا: جهنم: (فتح، ۶)؛ غضب خدا: (فتح، ۶)؛ فرجام شوم: (فتح، ۶)؛ لعن خدا: (فتح، ۶).
موانع سوءظن: ایمان: (نور، ۱۲)؛ تقوا: (حجرات، ۱۲).

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۸۲.

۲. قرآنی، تفسیر نور، ج ۱۱، ص ۱۹۱.

آثار پیروی از ظن: سرزنش: (یونس، ۳۵ - ۳۶)؛ ضلالت: (انعام، ۱۱۶؛ نجم، ۲۳)؛ محرومیت از درک حق: (یونس، ۳۶؛ نجم، ۲۸).^۱

ریشه‌های بدگمانی

۱. ظاهری

قضاوت اولیّه و سطحی از عملکرد افراد یکی از عوامل بدبینی و بدگمانی است؛ تا کسی از دیواری بالا رفت نباید بگوییم: دزد است؛ زیرا ممکن است صاحب‌خانه باشد و کلید خانه را گم کرده است. اگر مردی با دختری همراه بود، نباید تصوّر کنیم روابطشان نامشروع است؛ چون ممکن است محرم او باشد.

۲. حسادت

حسادت باعث تحلیل منفی می‌شود، حسود رفتار مردم را توجیه درست و منطقی نمی‌کند؛ چنانچه برادران یوسف علیهم‌السلام محبت و مهرورزی پدر را به یوسف و برادرش بنیامین با بدگمانی تحلیل کرده و آن را بر گمراهی و ضلالت پدر و تحقیر خودشان تحلیل نمودند.

۳. دوستی با بدان

افراد ناباب همه را مانند خود می‌دانند؛ دوستی و هم‌نشینی با افراد شرور انسان را به همه چیز و همه کس بدبین می‌کند. در کلام امام علی علیه‌السلام آمده است: «هم‌نشینی با بدان، موجب بدگمانی به نیکان می‌شود».^۲

۴. آلودگی به رذایل اخلاقی

افراد آلوده به رذایل اخلاقی، شخصیت دیگران را نیز از همین دریچه می‌نگرند. دروغ‌گو و منافق همه را مثل خود می‌پندارد و به همه بدگمان است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «آدم بد به هیچ کس خوش‌بین نیست؛ زیرا همه را مانند خود می‌بیند».^۳

۱. رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۱۹، ص ۴۱۵ - ۴۱۷.

۲. عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۶۵.

۳. آمدی، غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۵۷.

۵. انتظار زیاد

افرادی که انتظار دارند همیشه مخدوم باشند و دیگران خادم، همیشه طلب‌کار باشند و دیگران بدهکار، طبعاً این انتظار و توقع وقتی برآورده نشود بدبین می‌شوند؛ چنان‌که وقتی انتظار طلحه و زبیر از امیرمؤمنان علی علیه السلام برآورده نشد آتش جنگ جمل را برپا کردند.

آثار بدگمانی از دیدگاه روایات

۱. بی‌اعتمادی

کسانی که بدگمان هستند نمی‌توانند به دیگران اعتماد کنند؛ زیرا همه را خائن می‌دانند. آنها هرگز نمی‌توانند با کسی مشورت کنند و از او نظر بخواهند. روح تعاون ندارند و در تنهایی به‌سر می‌برند. امام علی علیه السلام فرمود: «بدترین افراد کسانی هستند که به سبب بدگمانی به هیچ‌کس اعتماد ندارند و به سبب بدرفتاری هیچ‌کس به آنان اعتماد نمی‌کند».^۱

۲. دوست‌گریزی

بدگمانی موجب می‌شود دوستان از چنین افرادی گریزان شوند. یکی از عوامل پدیدآورنده دوستی، خوش‌گمانی است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس به مردم خوش‌گمان باشد، دوستی و محبت آنان را به دست می‌آورد».^۲

۳. تجسس

انسان بدگمان برای کشف اسرار و رازهای نهانی مردم به جست‌وجو می‌پردازد. قرآن گناه سوءظن را در کنار تجسس و غیبت ذکر کرده است. شاید به ترتب آنها بر یک‌دیگر هم نظر دارد. از گمان بد، تجسس آغاز می‌شود و به دنبال تجسس از عیوب مردم و اطلاع بر آنها، غیبت شروع می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «از گمان بد دوری کنید؛ زیرا گمان بد، دروغ‌ترین سخن است».^۳ در جای دیگر فرمود: «بدترین مردم کسانی هستند که بدگمانند و بدترین بدگمانان کسانی هستند که از اسرار مردم جست‌وجو می‌کنند».^۴

۱. طرابلسی، کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۸۲.

۲. آمدی، غرر الحکم، ص ۲۱۷۵ و ری شهری، میزان الحکمه، ش ۱۱۵۵۷.

۳. مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۸۵.

۴. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۴۷.

۴. کینه توزی

محبت و علاقه قلبی دوطرفه است، وقتی شخص به دوستش بدگمان بود منشأ بی‌مهتری و اختلاف و کینه می‌شود. کینه نیز منشأ نزاع و خیانت و درگیری خواهد بود. کینه افزون بر آثار نامطلوب در جامعه، خود شخص کینه‌توز را نیز دچار عوارض درونی و فکری می‌کند.

۵. فساد عبادت

بدگمانی، منشأ گناهای مانند: غیبت، تهمت، کینه، عجب و... می‌شود. هریک از این معاصی نیز زمینه‌ساز تباهی عبادت است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «از بدگمانی بپرهیز؛ زیرا بدگمانی عبادت را تباه و گناه را بزرگ می‌کند».^۱

۶. هلاکت

امام علی علیه السلام فرمود: «بدگمانی همراهش را هلاک می‌کند و دوری کننده از آن نجات می‌یابد».^۲

سوءظن مثبت

۱. دوست‌یابی

امام علی علیه السلام فرمود: «با هیچ کس برادری نکن تا بدانی رفت و آمدش کجاست؛ وقتی از حالش به‌خوبی آگاه شدی و معاشرتت را پسندیدی، با او بر اساس گذشت از لغزش‌ها و همیاری در سختی‌ها برادری کن».^۳

۲. معاملات اقتصادی

در معاملات و مبادلات تجاری باید نهایت دقت را به کار برد. طولانی‌ترین آیه قرآن در سوره بقره^۴ در بردارنده دقیق‌ترین نکات درباره وام‌دادن به دیگران است.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۸۲.

۲. آمدی، غررالحکم، ج ۴، ص ۱۴۵.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۲.

۴. بقره، ۲۸۲.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس بدون آگاهی دست به تجارت بزند در ورطهٔ رباخواری خواهد افتاد».^۱

۳. انتخاب کارگزاران

برای انتخاب کارگزار باید همهٔ جوانب سنجیده شود. دوراندیشی لازم به کار گرفته شود. حسن ظن و اعتماد بی‌جا چه بسا زیان‌های جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد. مسئولیت، امانت است، آن را نمی‌توان به هر کس سپرد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «در امور کارگزاران خویش بیندیش و آنان را با آزمایش به کار گمار، نه از روی میل خود و بدون مشورت با دیگران که به هوای خود رفتن و به رأی دیگران ننگریستن، ستمگری و خیانت است».^۲

۴. فضای نیرنگ

اگر فضای حاکم بر جامعه، فضای فساد، فریب و نیرنگ است نمی‌توان به همه اعتماد نمود. در چنین شرایطی هر جریان و حرکتی را باید با دقت و حتی سوءظن مورد کاوش قرار داد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هرگاه درستی و پاکی بر روزگار و مردمش حکم‌فرما باشد، اگر کسی به دیگری گمان بد برد ستم کرده است و هرگاه فساد و ناراستی بر روزگار مردم آن چیره شود، اگر کسی به دیگران گمان نیک برد و خوش‌بین باشد فریب خورده است».^۳

حکایت

۱. رسول خدا با همسرش

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد معتکف بود. صفیه دختر حیی بن اخطب همسر آن حضرت به دیدارش رفت. در بازگشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قدری او را همراهی کرد و مشغول سخن گفتن با وی شد. مردی از انصار رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله او را صدا زد و فرمود: این زن، صفیه همسر من است. آن شخص پرسید: یا رسول الله! چه جای این سخن بود، حاشا که کسی به شما گمان بد برد. فرمود: «شیطان در خون و رگ انسان جای دارد. ترسیدم بر تو وارد شود و هلاکت نماید».^۴

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۲.

۲. نهج البلاغه (دشتی)، نامه ۵۳.

۳. نهج البلاغه (دشتی)، حکمت ۱۱۴؛ رفیعی، گفتار رفیع، ج ۱، ص ۲۹۱ - ۲۹۳.

۴. ابی داود، سنن، ج ۲، ص ۴۷۶.

۲. توبه از گمان بد

مردی از شیعیان به محضر امام کاظم علیه السلام شرفیاب شد، در حالی که لرزان بود. عرض کرد: یا بن رسول الله! ترسناک شدم از این که فلان شخص در اعتقاداتش نسبت به امامت شما منافق شده باشد. امام علیه السلام فرمود: «به چه دلیل؟» عرض کرد: در مجلس یکی از بزرگان بغداد بودم، صاحب مجلس از آن شخص مورد نظر پرسید: آیا تو گمان می‌کنی موسی بن جعفر علیه السلام امام است و هارون امام نیست؟ آن شخص گفت: من چنین عقیده‌ای ندارم، بلکه گمانم این است که موسی بن جعفر علیه السلام غیر امام است و اگر چنین عقیده‌ای نداشته باشم، لعنت خدا و ملائکه و مردمان بر من باد.

صاحب مجلس خوش حال شد و دعایش کرد و کسانی را که خلاف این عقیده را به او نسبت داده بودند لعنت کرد.

امام کاظم علیه السلام فرمود: «آن گونه که تو گمان کرده‌ای نیست، آن شخص از تو داناتر است؛ زیرا مراد او این است: آن کس که غیر امام است موسی بن جعفر نیست، پس در واقع با این جمله امامت مرا ثابت کرده است، از این گمان بد و گناه توبه کن»^۱.

۳. بصیرت امام کاظم (ع)

شقیق بلخی گوید: در سال ۱۴۹ به حج رفتم. چون به قدسیه رسیدم. نگاه کردم دیدم افراد زیادی برای حج حرکت کرده‌اند. در کنار انبوه جمعیت نظرم به جوان خوش سیمایی افتاد که جامه پشمینه روی لباس‌هایش پوشیده بود و نعلینی در پا داشت و از مردم کناره می‌گرفت. با خود گفتم: این جوان از صوفیه است، نزدیک رفتم به قصد این که او را سرزنش کنم، تا مرا دید لب به سخن گشود و فرمود: یا شقیق! «اجتنبوا کثیراً من الظنّ من الظنّ إنّ بعض الظنّ اثم»^۲. این بگفت و برفت. با خود گفتم: او بنده صالح خداست، بروم از او حلالیت بطلبم، به دنبال او به راه افتادم، هرچه سرعت کردم او را نیافتم تا به منزل واقصه رسیدم، دیدم مشغول نماز است، اعضایش مضطرب، و اشک چشمش جاری است. صبر کردم تا از نماز فارغ شد، نزدیک رفتم برای عذرخواهی، تا مرا دید این آیه را تلاوت کرد یا شقیق! «وانی لغفّار لمن تاب وآمن وعمل

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۴۳.

۲. حجرات، ۱۲.

صالحاً ثم اهتدی»^۱ با خود گفتیم: این جوان از ابدال است، دو مرتبه از سر درون من خبر داد، دیگر او را ندیدم تا به منزلی به نام زباله رسیدیم، چاه آبی در آن محل بود، به سوی چاه حرکت کردم، دیدم آن جوان سطلی به میان چاه انداخت تا آب بردارد، اما سطل به درون چاه افتاد، سر به سوی آسمان بلند نمود و عرض کرد: پروردگارا! هرگاه تشنه شوم، تو سیراب کننده‌ای و هنگامی که اراده طعم کنم، تو قوت من هستی. شقیق گوید: به خدا قسم، دیدم آب بالا آمد، دلو را گرفت و پر کرد. سپس وضو گرفت و چهار رکعت نماز خواند، دیگر او را ندیدم تا در مکه نیمه شبی دیدم در حجر اسماعیل زیر ناودان در حال مناجات است تا صبح گریه می‌کرد. به هنگام صبح نماز خواند و هفت دور طواف انجام داد و بیرون رفت، به دنبال او رفتیم، دیدم غلامان اطرافش را گرفتند و احترام می‌کنند، تبرک می‌جویند، سؤال می‌کنند. پرسیدم: این شخص کیست؟ گفتند: موسی بن جعفر علیه السلام است.^۲

دو اندرز فرمود بر روی آب	مرا پیر دانای مرشد شهاب
دگر آن که بر خلق بدین مباح ^۳	یکی آن که بر خویش خوش‌بین مباح

۱. طه، ۸۴.

۲. حر عاملی، اثبات الهدی، ج ۳، ص ۲۰۱.

۳. نراقی، معراج السعاده، ص ۲۰۵.